



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بچثمان در این بود که عموم آیات قران دلالت دارند بر اینکه بین زوجین توارث وجود دارد و از طرفی عقد انقطاعی نیز زوجیت می باشد ولی خب بین فقهاء ما مسلم است که در عقد نکاح انقطاعی ارث وجود ندارد، اصل موضوع مشخص است منتهی دو بحث در اینجا مطرح است؛ اول اینکه شرط توارث نکرده باشند که خب در اینجا قطعاً ارث نیست و دوم اینکه آیا اگر شرط توارث کرده باشند موثر است یا نه.

امام رضوان الله علیه فرمودند در صورت شرط توارث نیز فی غایة الإشکال والأحوط التصالح یعنی مصالحه با بقیه وراثت، و صاحب جواهر نیز فرمودند حتی در صورت شرط نیز ارث وجود ندارد.

عرض کردیم این بحث به قاعده "المؤمنون عند شروطهم" که یکی از قواعد بسیار مهم فقهی است مربوط می باشد.

اولین بحث در مدرک قاعده "المؤمنون عند شروطهم" می باشد، صاحب وسائل در باب ۶ از ابواب تجارت اخبار مربوط به شرط را ذکر کرده، عنوان باب این است: «باب ثبوت خيار الشرط بحسب ما يشترطانه، وكذا كل شرط إذا لم يخالف كتاب الله».

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد وأحمد بن محمد جميعاً عن ابن محبوب، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: من اشترط شرطاً مخالفاً لكتاب الله فلا يجوز له ولا يجوز على الذي اشترط عليه والمسلمون عند شروطهم مما وافق كتاب الله عز وجل.

محمد بن الحسن باسناده عن الحسن بن محبوب مثله<sup>۱</sup>.

کلینی خبر را از دو طریق و از دو استادش نقل می کند، کلینی ۳۶ استاد دارد و در سه جا "عدة من أصحابنا" گفته چون متعدد بوده اند و در آخر جلد ۲ جامع الروات نام این عدة

نوشته شده، کلینی عن عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد که در او بحث است ولی ما او را موثق می دانیم و در الفوائد الرجالیه نیز توثیق شده، و باز عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عیسی که بسیار خوب است، جميعاً عن حسن بن محبوب که موثق است، عن عبدالله بن سنان که حازن دربار عباسی بوده ولی بسیار جلیل القدر بوده و ۱۱۴۶ حدیث از او نقل شده و ما در کتاب رجالی که داریم تعداد روایاتی که هر کدام از روات ثقات نقل کرده اند را نوشته ایم.

عمده بحث به اینجا بر می گردد که آیا شرط توارث در نکاح انقطاعی مخالف کتاب الله می باشد یا نه، چون در کتاب الله وراثت افراد مشخصی هستند که نسباً و سبباً معلوم می باشند و این بر خلاف آنها می باشد و اینکه امام رضوان الله علیه فرموده فی غایة الإشکال مرادش همین است زیرا در روایات ما ذکر شده که زوجه در عقد نکاح انقطاعی ارث نمی برد پس این یک بحث مهمی می باشد و ما نیز معتقدیم که چنین شرطی صحیح نیست چون مخالف کتاب الله است لذا زوجه در عقد انقطاعی مطلقاً ارث نمی برد، بله "الناس مسلطون علی أموالهم" منتهی در محدوده ضوابط و قوانین شرع.

خبر دوم: ﴿وباسناده عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: المسلمون عند شروطهم إلا كل شرط خالف كتاب الله عز وجل فلا يجوز<sup>۲</sup>.

شیخ طوسی باسناده عن حسین بن سعید، شیخ طوسی طبقه ۱۲ است و حسین بن سعید طبقه ۶ می باشد و این خبر را شیخ از کتاب او گرفته و اسناد شیخ به او صحیح است و در آخر جامع الروات اسناد شیخ به حسین بن سعید ذکر شده، عن النضر بن سويد که موثق است، عن عبدالله بن سنان که خوب و ثقة می باشد و خبر سنداً صحیح است.

خبر سوم: ﴿وباسناده عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد: عن أبي المعز عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام في رجلين اشتركا في مال و ربحا فيه ربحا و كان المال دينا

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۵۳، ابواب تجارت، باب ۶، حدیث ۲، ط الإسلامية.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۵۳، ابواب تجارت، باب ۶، حدیث ۱، ط الإسلامية.

اختلافات شدیدی باهم خواهند داشت و همه اتفاقات را حضرت برای او بیان کردند، خلاصه خبر سندا صحیح می باشد.

خب واما این خبر نیز دلیل بر صحت شرط توارث در عقد نکاح انقطاعی نمی شود زیرا این نیز در مقام بیان یک کلی می باشد نه ارث در متعه و این خبر نیز دلالت دارد بر اینکه شروط جایز و موافق با کتاب الله صحیح و موثر هستند نه مطلق شرط و در مانحن فیه شرط توارث زوجه در عقد انقطاعی مخالف کتاب الله می باشد.

در مورد "المؤمنون عند شروطهم" چند بحث وجود دارد؛ اول بحث ادبی و معنای حدیث است، المؤمنون مبتدا و عند شروطهم جار و مجرور خبر آن می باشد و هرجا ظرف یا جارو مجرور خبر واقع شوند یک چیزی مقدر است و در اینجا نیز اینطور می باشد که "المؤمنون ثابتون أو کائون عند شروطهم".

دوم اینکه شروط جمع شرط است و معنای شرط نیز در واقع التزام فی ضمن التزام می باشد بنابراین برای ما روشن شد که شروط بدویه اثر و نفوذ ندارند.

سوم اینکه "المؤمنون عند شروطهم" إنشاء در قالب اخبار است یعنی بر مؤمنون واجب است که پای شروط خودشان بایستند.

چهارم اینکه بر وفاء به شرط اجماع نیز داریم منتهی چنین اجماعی مدرکی است و حجت نمی باشد.

حالا خود شرط چند شرط دارد؛ اول اینکه شرط نباید مخالف کتاب الله و سنت باشد، کتاب که مشخص است و اما در مورد سنت مثلا در روایات ما ذکر شده که طلاق از ایقاعاتی است که به دست مرد می باشد حالا اگر شرط شود که زن طلاق بدهد صحیح نیست، بله اگر مرد زن را وکیل کند برای طلاق صحیح است که الان در عقدنامه ها نیز همینطور می باشد و یا مثلا طبق روایاتمان در ودیعه شرط ضمان صحیح نیست ولی در عاریه و اجاره صحیح می باشد. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

عليهما، فقال أحدهما لصاحبه: اعطني رأس المال والربح لك وما توى فعليك، فقال: لا بأس به إذا اشترط عليه، وإن كان شرطا يخالف كتاب الله عز وجل فهو رد إلى كتاب الله عز وجل الحديث.

ورواه الكليني عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد مثله. ٣.

شيخ طوسي باسناده عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد که ثقة است، عن أبي المعز حميد بن مثنى، عن علي بن أبي شعبه حلبى، خبر سندا صحیح است.

خبر چهارم: ﴿وباسناده عن الصفار، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن غياث بن كلوب عن إسحاق بن عمار، عن جعفر، عن أبيه عليه السلام إن علي بن أبي طالب عليه السلام كان يقول: من شرط لامرأته شرطا فليف لها به فان المسلمين عند شروطهم إلا شرطا حرم حلالا أو أحل حراما. أقول: ويأتي ما يدل على ذلك هنا وفي أحكام العقود وغير ذلك﴾ ٤.

شيخ طوسي باسناده عن محمد بن حسن صفار که از فقهاء و روات بزرگ ما و از طبقه ٨ می باشد، عن حسن بن موسى الخشاب که از وجوه اصحاب ما و از طبقه ٧ می باشد، عن غياث بن كلوب که عامی است ولی ثقة می باشد، عن اسحاق بن عمار که شيعه و ثقة می باشد، بنده در صفحه ٩٢ از کتاب معجم الروات نوشته ام که اسحاق بن عمار خدمت امام صادق عليه السلام رسید، شخصی پیش حضرت بود که خطاب به او فرمودند یک ماه بیشتر از عمر تو باقی نمانده برو و توبه کن، اسحاق بن عمار پیش خود تعجب کرد و از خاطرش گذشت که ظاهرا امام صادق عليه السلام از عمر و آینده و همه جزئیات افراد آگاهی دارد، حضرت به او نگاه کرد و گفت تعجب می کنی؟! ما همه این مسائل را می دانیم، رشید هجرى که از اصحاب امیرالمؤمنین عليه السلام بود این مسائل را می دانست، ای اسحاق بن عمار مواظب خودت باش دو سال بیشتر از عمر تو باقی نمانده و بعد از وفات تو ورثه ات

<sup>٣</sup> وسائل الشيعية، شيخ حر عاملی، ج ١٢، ص ٣٥٣، ابواب تجارت، باب ٦، حديث ٤، ط الإسلامية.

<sup>٤</sup> وسائل الشيعية، شيخ حر عاملی، ج ١٢، ص ٣٥٣، ابواب تجارت، باب ٦، حديث ٥، ط الإسلامية.